

متن پرسش

سلام استاد: پیرو جلسه گذشته در شرح کتاب «در راستای بنیان حکمت حضور انقلاب اسلامی در جهانی بین دو جهان» در قسمت «نمی‌توانیم طبیعت را نابود کنیم بدون نابودی خودمان» کلمات ابتدای جلسه رهایم نمی‌کرد و برایم سوال شد که چطور می‌شود ربط عقل بشر و قرآن را یافت؟ در کدام وضعیت عقل بشر قرآنی شده یا می‌شود؟ و آیا تجربه اش را داریم؟ و اینکه چقدر این عبارت واقعی است و ما به آن یقین داریم مرا به فکر فرو برد، قرآنی که امروز بین ما اینقدر مهجور است و حیات‌بخشی اش را در سطوح انقلاب اسلامی، از جمله دفاع مقدس و... با تمام وجود درک کردیم ولی با چه زبانی و چگونه می‌توان با خود و دیگران در میان گذاشت؟! ممکن است آنچه به قلم جاری شد را بخوانید؟ نمی‌دانم آنچه نوشتم چقدر می‌تواند واقعی و روشن کننده باشد که در خطاب به قرآن می‌گویم: از وقتی تو را شناختم مبهوت زیبایی بیکرانه ات بودم، قصه‌هایت هم زیبا بود و هم درک نکردنی، می‌دانی چرا؟ چون دنبال ربط بودم با خودم و ایامی که در آن می‌زیستم، ربطش را نمی‌فهمیدم، حال اندکی که می‌اندیشم به خویش می‌خندم، آخر مگر تو چقدر با خویشتن خویش آشنایی که در دل اقیانوس بیکران قرآن در جستجوی قطره جان خویشی؟ آری تو قصه حیات منی و قصه م ماتم نیز؛ تو قصه آن به آن انسانی، با هزار لایه ناشناخته؛ تو قصه عالمی و جهان که او خود ماست در وسعت ظاهری. امروز در هیاهوی دوران شیدایی مردمان شوریده اباعبدالله الحسین علیه السلام و بر سر خان نعمت امام راحل و شهدا این را یافتم که قصه ما در هزار توی زیبای بیکرانت نهان است. هزار جان عاشق سوخت تا امروز در گوشه‌ای از دهکده جهانی، عقل بشر بیدار شود به کلام روشن‌گرت؛ و قصه تاریخ خویش را در سنت‌های حکیمانه ات بیابد، آری سنت‌هایی که ادب‌هایی در مسیر شدن، خلق می‌کنند، برای شکوفایی انسان در بستر زمانه‌ای که بشر خویشتن خویش را در بزرگراه‌های قدرت و در زیر چرخ‌های سلطه گم کرده است. قرآن عزیز! تو کلام مادری هستی که برای ایجاد بستری برای شدن فرزندان خویش با هر طبع و هر رنگ و هر ظرفیتی و در هر زمانه و هر شرایطی مهرورزانه و آزاد از هر زورگویی و فشاری، قصه او را با او می‌گویی، تا نوری شوی و راهی برای پیدا کردن خویش در آغوش آن نور به جلوه طبیعت. آری تو کلام مادری هستی که احیاکننده زمین است، زمینی که از وجه طبیعی هم مادر بشریت است و هم فرزندان آینده بشریت. تو برایم از تفاوت‌ها می‌گویی ولی چنان برایم می‌نمایانی که تفاوت‌ها برایم هنر آفرین می‌شود و به جای ترس، آنها را به عنوان راهی برای شناخت و شدن و زیبا شدن تابلوی هستی پیش رویم می‌آوری. تو پرده از اوهام و ظلم‌های فریبنده می‌گویی و معنای انسانیت و آزادگی را در وجودم زنده می‌کنی، انسانیت و

آزادگی را وسعت می‌دهی تا قله های ایثار و گذشت و شجاعت و ایستادگی در مقابل استکبارورزان تاریخ. آری! تو مرا که همچون کودکان سرگرم بازی ام، متوجه باطن مقدس عالم و آدم می‌کنی و من در آنی می‌بینم و در خیال خام خویش باز هم سرگرم که راحت است و یا ترسانم که مگر شدنی است!؟... اما تو دست به دامان پاکترین و عاقلترین بهانه خلقت می‌شوی و او به رسم پدری، رخی می‌نمایند و از آن شوریدگان شیدا باغستانی به صحنه می‌آورد تا شاید باورم احیا شود و عمیق‌تر بیندیشم و جدی تر شوم و عزمی کنم تا برای انسان شدن از خویش گذری کنم در عین اندیشه و نیست شوم در هست او و هست شوم به اذن او... ای قرآن جان! تو باز بخوان... هر آن بخوان و با آن شیدایان حاضر آن یارِ غایب، از نظرهای خاک آلود، دست در دست هم بخوانید و رونمایی کنید... ایمان دارم به جاری شدن شما در جان عالم و آدم؛ و امید دارم به شکوفایی انسانی که در محضر شما با وسعت عالم و آدم مواجه می‌شود تا جهانی تجلی کند در بین دو جهان، جهانی ماورای سنت دیروز و تجدد امروز، جهانی آباد به رنگ او.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: همه سخن را که از قرآن گفتید و چه خوب گفتید؛ در این جمله شما می‌توان یافت که فرموده‌اید: هر آنچه یافته‌اید اعم از هیاهوی دوران شیدایی مردم با امام حسین «علیه‌السلام» در این اربعین‌ها، و یا هر آنچه یافته‌اید بر سر خوان امام راحل و شهدا؛ همه، قصه هزار توی زیبای بیکرانه قرآن بود. آری! حقیقتاً همین‌طور است. و اساساً هر جا توحید به ظهور آید، نظم مناسب خود را به همراه دارد و این غیر از نظم‌آفرینی‌هایی است که صفای توحید را کدر می‌کند و حتی به حجاب می‌برد و در این حالت به جای انتظارِ روحی که در پیش است، در کارها زیاده‌روی می‌کنیم و عملاً از آنچه می‌توانست پیش آید محروم می‌شویم. غافل از آن که نیک‌بختی به اندک چیزهایی وابسته است که ما آن‌ها را به حساب نمی‌آوریم. و ما دقیقاً از آن غافلیم، یعنی از همان توحیدی که قرآن متذکر آن است و در نسبت با سنت‌های جاری در عالم برای ما پیش می‌آید تا آن‌جایی که در جلسه ۱۰۳ بحث «در راستای بنیان‌های حکمت جهانی میان دو جهان»
<https://eitaa.com/khanehtolab/811> بر آن تحت عنوان «عقل قرآنی و نسبت آن با سنت‌های جاری در عالم» تأکید شد. موفق باشید